

مقاله پژوهشی

خوش‌نویسی در معماری آرامگاهی اسلامی: تحلیلی گفتمانی بر حافظه، فضا و مشروعیت

زهره عطایی آشتیانی*

مرکز اسناد فرهنگی آسیا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۷

چکیده

خوش‌نویسی در معماری اسلامی فراتر از کارکرد تزئینی، به‌مثابه زبانی دیداری عمل می‌کند که حافظه فرهنگی را تثبیت، مشروعیت سیاسی-دینی را تقویت و معنا را در فضاهای آیینی سازمان‌دهی می‌کند. این پژوهش با تمرکز بر معماری آرامگاهی، می‌کوشد نشان دهد کتیبه‌ها چگونه از سطح زیبایی‌شناسی فراتر رفته و به متون گفتمانی-فضامند بدل می‌شوند. پرسش اصلی این است که خوش‌نویسی در معماری آرامگاهی اسلامی چگونه به‌عنوان زبان دیداری-گفتمانی در تثبیت حافظه جمعی و مشروعیت نمادین ایفای نقش می‌کند. روش این پژوهش کیفی و تفسیری است و از تحلیل گفتمان بصری-فضایی در سه نمونه شاخص بهره می‌گیرد: گنبد سلطانیه (ایلخانی، قرن هشتم هجری)، گور امیر (تیموری، قرن نهم هجری) و آرامگاه مولانا در قونیه (سلجوقی-عثمانی). چهارچوب نظری بر پایه نظریه حافظه فرهنگی (هالباکس، آسمن، نورا)، گفتمان فضا و قدرت (فوکو، لوفور) و سرمایه نمادین (بورديو) تدوین شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد در سلطانیه، خوش‌نویسی با استفاده از خطوط ثلث و نسخ در تثبیت هویت شیعی ایلخانان نقش داشته است؛ در گور امیر، کتیبه‌ها حافظه تیمور را از تصویر نظامی به حافظه‌ای عرفانی بازتعریف کرده‌اند و در آرامگاه مولانا، اشعار و آیات قرآنی در قالب خطوط نستعلیق و تعلیق، تجربه‌ای سلوکی و معنوی ایجاد کرده‌اند. در نهایت این پژوهش نتیجه می‌گیرد خوش‌نویسی آرامگاهی در سه سطح حافظه‌ای، گفتمانی-فضایی و نمادین-اجتماعی عمل می‌کند و به ابزاری کارآمد برای مشروعیت‌بخشی، هویت‌سازی و بازتولید حافظه فرهنگی در معماری اسلامی بدل می‌شود.

واژگان کلیدی: خوش‌نویسی اسلامی، معماری آرامگاهی، حافظه فرهنگی، گفتمان فضایی، مشروعیت نمادین

مقدمه و بیان مسئله

هرچند خوش‌نویسی از منظر بصری بخشی از تزئین معماری است اما کارکرد آن فراتر از تزئین است و در سطح معنا، حافظه و مشروعیت عمل می‌کند. خوش‌نویسی در معماری اسلامی (به‌ویژه در فضاهای آرامگاهی) صرفاً آرایه‌ای زیباشناختی نیست بلکه به‌منزله «زبان دیداری فضا» در تثبیت حافظه فرهنگی، سازمان‌دهی معنا و مشروعیت بخشی سیاسی-اجتماعی عمل می‌کند. در آرامگاه‌ها که تقاطع مرگ، معنویت و یادمان جمعی‌اند، کتیبه‌ها از سطح نقوش تزئینی فراتر می‌روند و به «متون گفتمانی-فضامند» تبدیل می‌شوند. با این حال، بخش مهمی از ادبیات موجود، یا به تاریخ و سبک‌شناسی خطوط محدود مانده یا کتیبه‌ها را مستقل از کالبد و مناسبات قدرت/هویت توصیف کرده است؛ بنابراین نسبت نظام‌مند متن کتیبه، شیوه خط و

جای‌گیری فضایی با سازوکارهای حافظه فرهنگی و تولید فضا/قدرت در چهارچوبی میان‌رشته‌ای همچنان کمتر بررسی شده است. همین‌حالا، مسئله محوری این پژوهش را شکل می‌دهد.

ضرورت انجام پژوهش

خلاء میان‌رشته‌ای: خوانش‌های رایج از کتیبه‌های آرامگاهی عمدتاً صوری یا تاریخ‌نگارانه‌اند و به پیوند عمیق متن/خط/فضا با حافظه فرهنگی، گفتمان قدرت و هویت جمعی نمی‌پردازند. این پژوهش دقیقاً این شکاف را هدف می‌گیرد.

فقدان الگوی تحلیلی تکرارپذیر: مدل‌های عملیاتی برای کدگذاری سه بُعد «متن کتیبه-سبک خط-مکان‌گذاری» و ربط آن به کارکردهای حافظه‌ای/گفتمانی کمیاب است. این پژوهش با «تحلیل گفتمان بصری-فضایی» چنین

نوآوری پژوهش

تلفیق نظریه حافظه فرهنگی، تولید فضا/ قدرت و سرمایه نمادین در خوانش کتیبه‌های آرامگاهی؛ همچنین ارائه مدل تحلیلی تکرارپذیر برای متن/ خط/ مکان‌گذاری و مقایسه بین منطقه‌ای ایران- ماوراءالنهر- آناتولی برای روشن‌سازی تداوم‌ها و گسست‌ها.

پیشینه پژوهش

این پژوهش درباره خوش‌نویسی اسلامی تاکنون در دو حوزه متمرکز بوده است: نخست، بررسی‌های تاریخی و زیبایی‌شناختی خطوط؛ دوم، مطالعات موردی بر کتیبه‌ها و بناهای مشخص. با وجود این، هنوز جای خالی رویکردی میان‌رشته‌ای که خوش‌نویسی را به مثابه زبان دیداری-گفتمانی در پیوند با حافظه فرهنگی و مشروعیت اجتماعی تحلیل کند، مشهود است. در ادامه، مهم‌ترین گرایش‌های پژوهشی موجود مرور می‌شوند.

• مطالعات تاریخی و زیبایی‌شناختی

نخستین پژوهش‌ها به تحول تاریخی خطوط و تحلیل زیبایی‌شناسی آن‌ها اختصاص دارد. زیبایی‌شناسی آن‌ها به تحول تاریخی خطوط و تحلیل نخستین پژوهش‌ها به تحول تاریخی خطوط و تحلیل زیبایی‌شناسی آن‌ها اختصاص دارد. بلوم (Bloom, 2014) و بلر (Blair, 2006) مسیر تکامل خطوط و تفاوت‌های سبکی آن‌ها را بررسی کرده‌اند. گرابار (Grabar, 1983) نیز در میانجی‌گری تزئین بر معناگرایی نقش‌ونگار اسلامی تأکید کرده و نشان داده است تزئینات حامل دلالت‌های معنوی‌اند؛ بالین حال خوش‌نویسی را بیشتر به عنوان عنصر تزئینی مطالعه کرده و از تحلیل کارکرد اجتماعی و حافظه‌ای آن غافل مانده است. در مجموع، این دسته منابع بیشتر به جنبه فرمی پرداخته‌اند و از منظر تحلیلی- اجتماعی محدودیت دارند.

گروهی دیگر از پژوهش‌ها به تحلیل موردی یک بنای خاص یا مجموعه‌ای از کتیبه‌ها پرداخته‌اند. به عنوان مثال، امیر عشایی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای درباره کتیبه‌های گنبد سلطانیه معتقدند هندسه معقول در ساختار ابنیه با رهگیری از رموز (اعداد) و نمادها (اشکال) بیشترین بیانگری را در ساختار کالبدی- فضایی این مجموعه دارد.

سیفی و عبداللهی فرد (Seifi & Abdollahifard, 2024) نیز خوش‌نویسی آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی را به لحاظ فرم حروف و نیز خوانش تعدادی از متون کتیبه‌ها بررسی کرده‌اند. این آثار هرچند ارزشمندند اما بیشتر به سطح توصیف و نمادشناسی محدود می‌مانند و فاقد چهارچوب نظری منسجم در پیوند با حافظه فرهنگی یا گفتمان قدرت‌اند. در نتیجه، تحلیل آن‌ها از جایگاه اجتماعی- فرهنگی خوش‌نویسی ناقص می‌ماند.

الگویی را پیشنهاد می‌کند.

نیاز به مقایسه فرامنطقه‌ای: تفاوت‌های تاریخی- جغرافیایی گنبد سلطانیه (ایلخانی)، گور امیر سمرقند (تیموری) و آرامگاه مولانا در قونیه (سلجوقی- عثمانی) ظرفیت کشف تداوم‌ها/ گسست‌ها در هویت‌سازی و مشروعیت‌بخشی کتیبه‌ها را فراهم می‌کند؛ این ظرفیت تاکنون کمتر بهره‌برداری شده است.

پیامدهای عملی برای حفاظت و روایت میراث: فهم کارکرد گفتمانی کتیبه‌ها مستقیماً در اولویت‌بندی مرمتی، مستندسازی اپیگرافیک، چیدمان‌های موزه‌ای و روایت‌های فرهنگی استفاده می‌شود و از تقلیل آثار به تزئینات جلوگیری می‌کند.

پاسخ به نیاز نظری بومی: صورت‌بندی نسبت خوش‌نویسی با حافظه/ قدرت در بستر معماری اسلامی به تولید دانش بومی در حوزه هنر- فرهنگ یاری می‌رساند و وابستگی صرف به الگوهای غیربومی را می‌کاهد.

تکمیل و هم‌نهاد مستندات پراکنده: منابع فارسی/ ترکی/ ازبکی مرتبط با سه نمونه منتخب پراکنده‌اند؛ گردآوری و یکپارچه‌سازی تحلیلی آن‌ها بدنه دانش موجود را غنی می‌کند.

اهداف پژوهش

هدف کلی: خوش‌نویسی آرامگاهی چگونه از سطح تزئین به رسانه‌ای اجتماعی- گفتمانی ارتقا می‌یابد و در سه سطح به هم پیوسته «حافظه‌ای»، «فضایی- گفتمانی» و «نمادین- اجتماعی» عمل می‌کند.

اهداف فرعی: الف) ارائه چهارچوب تحلیل گفتمان بصری- فضایی برای کدگذاری متن/ خط/ مکان‌گذاری؛ ب) سنجش هم‌بستگی این ابعاد با مفاهیم حافظه فرهنگی، تولید فضا/ قدرت و سرمایه نمادین؛ ج) مقایسه سه نمونه منتخب برای استخراج الگوهای مشترک و تمایزها در هویت‌سازی و مشروعیت‌بخشی.

سؤالات پژوهش

- خوش‌نویسی در معماری آرامگاهی اسلامی چگونه (به‌منزله زبان دیداری- گفتمانی) در تثبیت حافظه جمعی، سازمان‌دهی معنای فضا و مشروعیت‌بخشی عمل می‌کند؟
- چه نسبت‌هایی میان گزینش متن (آیات، احادیث، اشعار)، سبک خط (ثلث، نسخ، کوفی، تعلیق/ نستعلیق) و جای‌گیری فضایی کتیبه‌ها برقرار است؟
- این نسبت‌ها در سه نمونه سلطانیه، گور امیر و مجموعه آرامگاه مولانا چگونه به صورت‌بندی‌های متمایز هویت/ مشروعیت می‌انجامد؟

مبانی نظری

• مبانی نظری کلان

این پژوهش در پی تحلیل خوش‌نویسی آرامگاهی اسلامی در چهارچوب سه دستگاه نظری بنیادین است:

(الف) نظریه حافظه فرهنگی (Assmann, 2011) و حافظه جمعی (Halbwachs, 1950).

(ب) نظریه تولید فضا و گفتمان قدرت (Lefebvre, 1991; Foucault, 1984).

(ج) نظریه سرمایه‌نمادین و میدان فرهنگی (Bourdieu, 1986). هر سه نظریه بر اجتماعی‌بودن معنا و پیوند میان فرهنگ، قدرت و بازنمایی تأکید دارند.

• کاربری نظریه‌ها در این پژوهش

در این پژوهش، خوش‌نویسی آرامگاهی به‌عنوان متن دیداری-فضامند بررسی می‌شود.

از منظر حافظه فرهنگی، کتیبه‌ها ابزار نهادینه‌سازی یاد جمعی‌اند.

از منظر فضا و قدرت، معماری آرامگاهی، فضایی گفتمانی برای مشروعیت‌بخشی است.

از منظر سرمایه‌نمادین، خوش‌نویسی به کنشی تبدیل می‌شود که میان ایمان و قدرت، پیوند مشروعیت ایجاد می‌کند.

• فرضیه‌ها/ گزاره‌های تبیینی

خوش‌نویسی آرامگاهی، رسانه‌ای چندلایه است که در سطوح حافظه‌ای، فضایی و اجتماعی عمل می‌کند.

پیوند سه‌گانه متن-خط-فضا سازوکاری برای تثبیت حافظه جمعی و مشروعیت فرهنگی ایجاد می‌کند. اجمالی از ارتباط کاربری نظریه‌ها براساس یافته‌های میدانی در

جدول ۱ آورده شده است.

در سه نمونه موردی (سلطانیه، گور امیر، مولانا) ساختار گفتمانی خوش‌نویسی متناسب با بستر تاریخی-فرهنگی تغییر می‌کند اما کارکرد حافظه‌ای-مشروعیتی ثابت می‌ماند.

روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی کیفی-تفسیری و در چهارچوب مطالعات میان‌رشته‌ای هنر و جامعه‌شناسی فضا انجام شده است. رویکرد پژوهش مبتنی بر تحلیل گفتمان بصری-فضایی است؛ بدین معنا که خوش‌نویسی آرامگاهی به‌منزله متنی دیداری و گفتمانی بررسی می‌شود که در بستر فضایی و تاریخی خود معنا می‌یابد. در این چهارچوب، تحلیل هم‌زمان مؤلفه‌های متنی (آیات، احادیث، اشعار)، بصری (سبک خط، رنگ، ترکیب‌بندی) و فضایی (موقعیت و جهت‌گیری در کالبد بنا) امکان می‌دهد کارکرد حافظه‌ای، معنایی و مشروعیت‌بخش

در زمینه مطالعات بنیادین خوش‌نویسی و کتیبه‌های اسلامی، می‌توان از این منابع نام برد: کتاب‌ها و پژوهش‌های مرجع در حوزه خوش‌نویسی اسلامی، از جمله آثار بلر (Blair, 2006) که اطلاعات تاریخی و گونه‌شناسی خطوط اسلامی را ارائه کرده است. این آثار با وجود ارزش توصیفی و تاریخ‌نگارانه، عموماً بر جنبه‌های سبک‌شناسی و زیباشناسی تمرکز داشته‌اند و کمتر به پیوند نظام‌مند «متن-خط-فضا» با کارکردهای حافظه‌ای و اجتماعی پرداخته‌اند.

• مطالعات موردی در آرامگاه‌های اسلامی

درخصوص گنبد سلطانیه، بلر (ibid.) در مطالعه «برنامه کتیبه‌ای آرامگاه اولجایتو» با تحلیل محتوایی-شکلی، به نقش محوری آیات قرآنی و نام سلطان در مشروعیت‌بخشی ایلخانان پرداخته است. همچنین پرونده یونسکو (۲۰۰۵) تکرار نام اولجایتو و تاریخ ساخت (۷۱۳ق/۱۳۱۴م) را مستند کرده است.

گور امیر سمرقند بر پژوهش کلاسیک گلوبک و ویلبر (Golombek & Wilber, 1988) با عنوان معماری تیموری در ایران و توران (۱۹۸۸) بر جایگاه نقوش هندسی و کتیبه‌ای تأکید دارد.

منابعی که برای چهارچوب‌های نظری پژوهش بهره‌برداری شدند مانند نظریه‌های حافظه جمعی و فرهنگی (Halbwachs, 1950; Assmann, 2011; Nora, 1989)، به نهادینه‌سازی یاد و هویت در مکان‌های آیینی پرداخته‌اند. در حوزه فضا و قدرت، فوکو (Foucault, 1984) و لوفور (Lefebvre, 1991) مفهوم «هتروتوپیا» و «تولید فضا» را مطرح کرده‌اند. همچنین بوردیو (Bourdieu, 1993) با مفاهیم «سرمایه‌نمادین» و «میدان فرهنگی» سازوکار مشروعیت‌بخشی هنر و دین را توضیح داده است. با وجود ظرفیت بالای این چهارچوب‌ها، تاکنون کمتر در تحلیل نظام‌مند خوش‌نویسی آرامگاهی به کار رفته‌اند. مرور منابع نشان می‌دهد:

(۱) مطالعات تاریخی و زیبایی‌شناختی بیشتر به جنبه‌های فرمی محدود شده‌اند.

(۲) مطالعات موردی، هرچند ارزشمند، چهارچوب تحلیلی مشترک و مقایسه‌پذیر ندارند.

(۳) نظریه‌های حافظه، فضا و سرمایه‌نمادین، ظرفیت تبیینی بالایی دارند اما در حوزه هنر اسلامی به‌ندرت به‌صورت یکپارچه به کار گرفته شده‌اند.

تمایز این پژوهش با مطالعات پیشین در آن است که با تلفیق سه حوزه نظری (حافظه فرهنگی، فضا-قدرت و سرمایه‌نمادین) و با رویکرد تحلیل گفتمان بصری-فضایی، خوش‌نویسی آرامگاهی را به‌عنوان «متن دیداری-فضامند» بررسی می‌کند. همچنین برای نخستین بار سه نمونه شاخص (سلطانیه، گور امیر و آرامگاه مولانا) در سه بستر تاریخی-جغرافیایی متفاوت به‌طور تطبیقی مقایسه می‌شوند.

جدول ۱. مدل مفهومی پژوهش. مأخذ: نگارنده.

سطح تحلیلی	نظریه پشتیبان	مؤلفه‌های مشاهده‌شده در داده‌ها	کارکرد نهایی
حافظه‌ای	حافظه فرهنگی (Assmann, 2011; Nora, 1989)	گزینش آیات و اشعار، تکرار در فضا، مکان‌یابی آیینی	تثبیت یاد جمعی و هویت تاریخی
فضایی - گفتمانی	تولید فضا/هتروتوپیا (Lefebvre, 1991; Foucault, 1984)	جای‌گیری کتیبه‌ها، مسیر دید، سازمان فضایی	معنابرداری و مشروعیت‌بخشی در فضا
اجتماعی - نمادین	سرمایه نمادین (Bourdieu, 1986)	خط، رنگ، مقیاس، زمینه اجتماعی قدرت	بازتولید مشروعیت فرهنگی و سیاسی

برخی بناها و کیفیت پایین برخی کمبود منابع تحلیلی به زبان فارسی درباره خوش‌نویسی آرامگاهی در آسیای صغیر از چالش‌های این پژوهش بوده‌اند.

یافته‌ها و بحث

انتخاب سه آرامگاه با تنوع جغرافیایی، بافت تاریخی و گفتمان فرهنگی، امکان بررسی تطبیقی نقش خوش‌نویسی در تثبیت حافظه و قدرت در سه فضای متمایز مذهبی - شیعی، سلطنتی - اخلاقی و عرفانی - سلوکی را فراهم می‌سازند.

• گنبد سلطانیه (زنجان، قرن هشت هجری)، آرامگاه سلطان محمد خدابنده (اولجایتو)

- معرفی بنا و زمینه تاریخی - سیاسی

گنبد سلطانیه، یکی از بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین بناهای دوره ایلخانی، در فاصله سال‌های ۷۰۴ تا ۷۱۳ ه. ق به دستور سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) ساخته شد. این آرامگاه در دورانی شکل گرفت که ایلخانان مغول، در پی تثبیت مشروعیت مذهبی خود، از تسنن به تشیع اثناعشری گرایش یافتند.

فضای داخلی سلطانیه، با ساختار هشت‌ضلعی و گنبدی عظیم، بر سطوح مختلف خود پذیرای کتیبه‌هایی در خطوط ثلث، نسخ و کوفی است. این خوش‌نویسی‌ها، با رنگ‌های نمادین لاجوردی، سفید و طلایی، در جایگاه‌های استراتژیک فضا قرار گرفته‌اند. متون شامل آیه‌الکرسی، سوره فتح، اسامی ۱۲ امام و عباراتی چون «محمد و علی خیرالبشر» است.

- تحلیل نظری سه‌لایه‌ای

لایه نخست (حافظه فرهنگی و مکان حافظه): براساس دیدگاه آسمن (Assmann, 2011)، حافظه فرهنگی، زمانی شکل می‌گیرد که معناها بنیادین در متونی رسمی و فضاهای آیینی تثبیت شوند. در سلطانیه، مفاهیمی چون ولایت، قیامت و توحید از طریق آیات خاص (آیه‌الکرسی و سوره فتح) بر دیوارها حک شده‌اند؛ این متون، در نقطه اوج فضا (زیر گنبد)، با خطوط ثلث در مقیاس بزرگ اجرا شده‌اند؛ مکان‌یابی آن‌ها در ناحیه مرکزی و بلند، از نظر نور، رنگ و

خوش‌نویسی آشکار گردد. این رویکرد، ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد و با تکیه بر مستندات تصویری، متون تاریخی و منابع تحلیلی هنر اسلامی به تفسیر لایه‌های گفتمانی آثار می‌پردازد.

شیوه گردآوری داده‌ها، مطالعات کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع معتبر تاریخی، هنری و کتیبه‌شناسی، بررسی اسناد تصویری و مستندات معماری و تحلیل محتوای متون کتیبه‌ها (آیات، احادیث، اشعار) از نظر سبک خط، جایگاه فضایی و دلالت‌های معنایی است.

شیوه تحلیل داده‌ها، تحلیل گفتمان بصری (تمرکز بر فرم، ترکیب‌بندی، جایگاه و خوانایی خوش‌نویسی)، خوانش نشانه‌شناختی (تفسیر کتیبه‌ها به عنوان رمزگان فرهنگی و حافظه‌ای) و تحلیل زمینه‌مند تاریخی - اجتماعی (پیوند متن و خط با شرایط سیاسی - فرهنگی زمان ساخت بنا) است. برای تحلیل تطبیقی، سه نمونه شاخص از معماری آرامگاهی اسلامی انتخاب شده‌اند:

۱) گنبد سلطانیه، دوره ایلخانی (قرن هشت هجری)، ایران - زنجان.

دلیل انتخاب: فراوانی کتیبه‌های قرآنی، موقعیت اندیشه شیعی.

۲) آرامگاه تیمور (گور امیر)، دوره تیموری (قرن نه هجری)، ازبکستان - سمرقند.

دلیل انتخاب: پیوند قدرت سیاسی با کالبدی‌های شکوهمند بصری.

۳) آرامگاه مولانا، دوره سلجوقی - عثمانی (قرن شش هجری)، ترکیه - قونیه.

دلیل انتخاب: نقش عرفان و ادبیات در شکل‌گیری هویت جمعی.

معیار انتخاب این نمونه‌ها، تنوع جغرافیایی، ویژگی‌های خوش‌نویسی، تنوع سبک‌های خط، نقش ایدئولوژیک فضا و دسترسی به مستندات معتبر بوده است. البته این پژوهش بر آرامگاه‌های جهان اسلام در فاصله قرون هفت تا ۱۰ هجری تمرکز دارد. محدودیت‌هایی مانند دسترسی ناپذیری میدانی به

فرم، با القای قداست و مرکزیت معنوی همراه است؛ در نتیجه، فضا نه تنها تدفینی بلکه حافظه گاهی برای هویت جدید شیعی ایلخانان شده است (Nora, 1989).

آرامگاه اولجایتو، نمونه بارز مکان حافظه است که گفتمان شیعی تازه تثبیت شده را در حافظه دیداری جامعه نهادینه می کند. **لایه دوم (فضا و گفتمان قدرت):** از نظر میشل فوکو (Foucault, 1984) فضاهای آیینی، حامل روابط قدرت اند. در سلطانیه، خط ثلث طلایی در ارتفاع گنبد، گفتمان قدرت الهی را به فضای سلطنتی پیوند می زند؛ کتیبه ها به مثابه متون حکومتی مقدس عمل می کنند؛ ساختار فضا، از درگاه تا گنبد، از نظر گفتمانی «صعود معنا» را ترسیم می کند، از اذکار عمومی در سطوح پایین تا مفاهیم ولایت و توحید در بالا؛ مطابق گفته لوفور (Lefebvre, 1991)، این فضا بازنمایی فیزیکی گفتمان دینی - سیاسی ایلخانان است، جایی که معماری و نوشتار در تولید نظم معنایی شریک اند.

سلطانیه نه تنها آرامگاه است بلکه نوعی «فضای گفتارمند» است که معنا را در جهت اقتدار رسمی هدایت می کند.

لایه سوم (میدان فرهنگی و سرمایه نمادین): مطابق نظریه بوردیو (Bourdieu, 1986) خوش نویسی در گنبد سلطانیه حامل سرمایه نمادینی است که قدرت سیاسی^۱ را مشروع جلوه می دهد. میدان فرهنگی سلطانیه، محل رقابت میان مشروعیت مغولی، تشیع تازه تثبیت شده و سنت اهل سنت است؛ عبارات کتیبه ای همچون «محمد و علی خیر البشر» مصداق روشن انتقال سرمایه سیاسی به سرمایه دینی اند؛ خط ثلث در ابعاد عظیم، کنار معماری شکوهمند، تجربه ای بصری - عاطفی می آفریند که بیننده را به پذیرش ناآگاهانه مشروعیت دعوت می کند؛ این همان عادت واره ای است که بوردیو (ibid) آن را ساخت یافته و ساختار دهنده می نامد. بیننده با مواجهه دیداری، می آموزد چگونه ببیند و چه چیزی را مقدس شمارد.

خوش نویسی در سلطانیه، نه فقط زبان ایمان بلکه زبان مشروعیت است؛ سرمایه ای نمادین که قدرت ایلخانی را در قالب دیداری مقدس جاودانه می کند.

- تحلیل کتیبه منتخب گنبد سلطانیه (کتیبه داخل محراب)

در فضای داخلی گنبد سلطانیه، یکی از شاخص ترین کتیبه ها در محراب اصلی قرار دارد. این کتیبه به خط کوفی، بنایی پیچیده و ثلث زرین بر زمینه لاجوردی نگاشته شده و بخش هایی از سوره های توحید و جمعه را شامل می شود. متن اصلی آن، آیه «هو الله الذی لا اله الا هو» است که در بالاترین نقطه محراب جای گرفته است.

از منظر بصری، خط کوفی بنایی با ساختار زاویه دار و هندسی، حس استواری، ثبات و سنت را القا می کند؛ در مقابل، خط ثلث با خمیدگی های ملایم و کشیده، جنبه ای عرفانی - آسمانی به

فضا می بخشد. ترکیب این دو خط در یک بستر رنگی طلایی بر آبی، نماد وحدت زمین و آسمان، عقل و شهود و قدرت و رحمت است.

از نظر جایگاه فضایی، این کتیبه در کانون نگاه نمازگزار و زائر قرار دارد و محور توجه معنوی و زیبایی شناسی است. در عین حال، چون محراب محل نیایش و جهت گیری جمعی است، این کتیبه عملاً حافظه دینی و آیینی جامعه را تثبیت و بازتولید می کند.

تحلیل گفتمانی نشان می دهد انتخاب آیه توحیدی در محراب، در دوره ای که ایلخانان پس از گرایش به تشیع نیازمند تثبیت هویت دینی بودند، نماد تلاقی اسلام رسمی با قدرت سلطنتی است. این خوش نویسی در حکم بیانیه ای بصری از مشروعیت مذهبی حکومت است که از طریق فضا نهادینه می شود.

از منظر تجربه مخاطب، کتیبه نه تنها خوانده می شود بلکه به مثابه آستانه ورود به فضای قدسی و مناسکی تجربه می شود. مخاطب با نگاه به آن، با کلام وحی و با ساختار دیداری سلطه نرم قدرت دینی - سیاسی مواجه می شود. این تجربه فضایی - بصری، حافظه دینی را تثبیت و هویت جمعی را تقویت می کند. موقعیت فضایی کتیبه های سلطانیه در **جدول ۲** آمده است.

در گنبد سلطانیه، خوش نویسی در سطح حافظه ای، حافظه دینی نوظهور تشیع را تثبیت می کند؛ در سطح فضایی - گفتمانی، ساختار معنایی فضا را جهت دهی کرده و فضا را به مکان مشروعیت بدل می سازد؛ در سطح اجتماعی - تحلیلی، ابزار تولید مشروعیت و القای سلطه نمادین در میدان فرهنگی - سیاسی ایلخانان است. سلطانیه، آرامگاهی است که از طریق کتیبه های دیداری، حافظه دینی و نظم معنایی نوپدیدی را در ذهن جامعه نهادینه می کند.

• گور امیر - سمرقند (قرن نه هجری)، آرامگاه تیمور گورکانی، بنیان گذار امپراتوری تیموری - معرفی بنا و زمینه تاریخی - سیاسی

آرامگاه تیمور، مشهور به گور امیر، در شهر سمرقند و در واپسین سال های حیات تیمور ساخته شد. تیمور که فاقد تبار خلافت یا نسب قریشی بود، به دنبال مشروعیت بخشی دینی و فرهنگی به سلطنت خود بود. در غیاب سرمایه خونی و نسبی، او به نمایش فضا، آیین و نوشتار مقدس برای خلق سرمایه نمادین روی آورد. گور امیر از دو بخش اصلی تشکیل شده است:

(۱) فضای گنبدخانه (حرم اصلی) با گنبدی دوپوشه، نماد صعود روح.

(۲) حجرات جانبی و فضای ایوان دار، محل نیایش و مراقبه. خوش نویسی های به کار رفته شامل آیات قرآنی، اذکار، دعاها و نام اهل بیت، در خطوط ثلث، کوفی و نسخ اجرا شده اند. ترکیب رنگ های طلایی، لاجوردی و فیروزه ای، ساختاری روحانی - سلطنتی به فضا بخشیده اند.

جدول ۲. موقعیت قرارگیری فضایی کتیبه‌های گنبد سلطانیه. مأخذ: نگارنده.

بخش فضایی	نوع خط	محتوای کتیبه	عملکرد نمادین
پاتاق گنبد اصلی	ثلث سفید بر زمینه لاجوردی	آیت الکرسی (سوره بقره)	توحید و قدرت الهی، حفاظت از فضا
ایوان هشت‌گانه	ثلث و نسخ	نام ۱۲ امام علیه‌السلام اذکار مقدس	تثبیت گفتمان شیعی و هویت مذهبی فضا
بالای ورودی اصلی	ثلث طلایی	سوره فتح	تأکید بر پیروزی الهی و مشروعیت دینی سلطان
بدنه دیوارها و طاق نماها	کوفی بنایی و کوفی تزئینی	سبحان الله، محمد رسول الله	تزکیه فضا، پیوند با سنت نبوی
داخل ایوان طبقه اول	ثلث	محمد و علی خیرالبشر من ابی فقد کفر	پیام صریح ولایت علوی و هویت شیعی ایلخانان
در طوق گنبد خارجی	ثلث مقعلی	آیات سوره ملک و انبیا	تداعی سلطنت الهی و جهان‌بینی کیهانی

تحلیل نظری سه‌لایه‌ای

لایه نخست (حافظه فرهنگی و مکان حافظه): مطابق نظریه آسمن و نورا (Assmann, 2011; Nora, 1989) حافظه فرهنگی از طریق نمادها، متون و فضاهای آیینی تثبیت می‌شود. در گور امیر، آیاتی چون «كُلِّ مَنْ عَلَيَّهَا فَنَ...» یا «الله باقی» در طوق گنبد و محراب، پیام فناپذیری انسان و بقای الهی را منتقل می‌کنند؛ این متون در جایگاه‌های بلندی از فضا قرار گرفته‌اند، جایی که نگاه زائر در سکوت و نور کم به آن معطوف می‌شود؛ حافظه تیمور نه به‌عنوان شاه جنگ‌جو بلکه به‌عنوان مرد مؤمن فروتن در برابر خداوند شکل می‌گیرد. تیمور از طریق خوش‌نویسی، حافظه سلطنتی خود را از قالب نظامی به شکل عرفانی و الهی بازتعریف می‌کند؛ همان فرایندی که نورا آن را نهادینه‌سازی حافظه جمعی از طریق مکان می‌نامد.

لایه دوم (فضا و گفتمان قدرت): بر مبنای نظر فوکو (Foucault, 1984) فضاهای آیینی حامل گفتمان‌های قدرت‌اند. در گور امیر، کتیبه‌های بالای محراب و گنبد، معناها الهی و عدالتی را در فضای سلطنتی تثبیت می‌کنند؛ ترکیب حرکت در فضا (از روشنایی ورودی به تاریکی گنبدخانه) با خطوط دعا، فرایندی از فنا و تذکر مرگ را القا می‌کند؛ این فضا نه فقط برای تدفین شاه بلکه برای فراگیری اخلاق پادشاهی طراحی شده است. فضا در گور امیر، کالبدی مفهومی است؛ بیننده از طریق حرکت، فرم و متن، گفتمانی از قدرت متواضع و خداجو را تجربه می‌کند (مطابق با ساختار معنایی فضا در نظریه لوفور).

لایه سوم (میدان فرهنگی و سرمایه نمادین، پیر بوردیو): در میدان فرهنگی - سیاسی تیمور، او فاقد مشروعیت نسبی بوده و از این‌رو، سرمایه دینی را از طریق زبان بصری خلق می‌کند؛ آیاتی همچون «اللهم اغفر له وارحمه» و نام اهل بیت در خطوط طلایی، تیمور را به‌عنوان پادشاه مؤمن تصویر می‌کنند؛ این کتیبه‌ها با خط ثلث و نورپردازی ویژه، تجربه‌ای بصری خلق می‌کنند که مشروعیت سلطنت را طبیعی و مقدس جلوه می‌دهد. خوش‌نویسی در گور امیر، سرمایه‌ای نمادین برای مشروع‌سازی سلطنت تیمور است. او خود را در حافظه جمعی،

نه به‌عنوان فرمانده بلکه به‌مثابه ولی محتاج غفران بازنمایی می‌کند. این همان عملکرد عادت‌واره بصری - ایمانی در نظریه بوردیو است.

تحلیل کتیبه منتخب گور امیر (کتیبه ایوان ورودی)

در ایوان ورودی گور امیر، کتیبه‌ای چشمگیر با خط ثلث طلایی بر زمینه فیروزه‌ای دیده می‌شود که آیه شریفه «كُلِّ نَفْسٌ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران، ۱۸۵) را شامل می‌شود. این عبارت قرآنی هم‌زمان مفاهیمی چون فنا، جاودانگی روح و جایگاه اخروی را به ذهن متبادر می‌سازد.

از نظر بصری، کتیبه به‌واسطه تعادل ساختاری، کشیدگی موزون حروف و تضاد رنگ طلایی بر فیروزه‌ای، هیبتی سلطنتی و در عین حال تأمل‌برانگیز دارد. این زیبایی‌شناسی، ترکیبی از شکوه دنیوی و تأمل اخروی را می‌سازد.

از منظر فضایی، این کتیبه در نخستین نقطه تماس زائر با آرامگاه قرار دارد. جای‌گیری آن بر فراز ایوان ورودی، تجربه‌ای آیینی و آغازین خلق می‌کند که مخاطب را به فضایی قدسی وارد می‌کند؛ فضایی که در آن مرگ، نه پایان بلکه دروازه جاودانگی سلطنت تعبیر می‌شود.

تحلیل گفتمانی نشان می‌دهد انتخاب این آیه از سوی معماران تیموری، اقدامی هوشمندانه برای انتقال دو پیام هم‌زمان است: تأکید بر ناپایداری دنیا و هم‌زمان تثبیت یاد سلطنت تیمور در حافظه جمعی و خط ثلث با شأن سلطنتی و بیان قرآنی، واسطه‌ای برای ادغام قدرت دنیوی با قداست متنی شده است. در تجربه مخاطب، کتیبه به‌مثابه مرز نمادین میان جهان بیرون و درون آرامگاه عمل می‌کند. عبور از زیر آن، مخاطب را از قلمروی خاکی به سپهر معنا و حافظه منتقل می‌سازد و خوش‌نویسی این انتقال را به زبان فرم و رنگ روایت می‌کند.

در آرامگاه گور امیر، خوش‌نویسی در سطح حافظه‌ای، تصویری عرفانی از قدرت تیموری می‌سازد و آن را در حافظه جمعی بازتولید می‌کند؛ در سطح فضایی - گفتمانی، فضا را به بستر تأمل در مرگ، تواضع و سلطنت الهی تبدیل می‌کند؛ در سطح تحلیل اجتماعی، از طریق سرمایه نمادین و زبان مقدس،

بخش معماری جای‌گیری یافته‌اند. اشعار چون «بازآ، بازآ...» یا «بشنو از نی...» با سبک نستعلیق، حس دعوت و درون‌نگری را در بدو ورود القا می‌کنند.

– تحلیل نظری سه لایه‌ای

لایه نخست (حافظه فرهنگی و مکان حافظه): براساس نظریه آسمن و نورا (Assmann, 2011; Nora, 1989) آرامگاه مولانا را می‌توان نمونه‌ای بارز از مکان حافظه عرفانی دانست که طی قرون، حافظه یک سنت معنوی را نه در قالب روایت تاریخی بلکه از طریق آیین، شعر و فضا بازتولید کرده است. اشعار مثنوی و آیات قرآن در نقاط مختلف بنا نقش بسته‌اند؛ این متون، با تکرار دیداری در فضاهای رسمی و آیینی، حافظه جمعی طریقت مولویه را تثبیت کرده‌اند؛ حافظه این‌جا نه مربوط به شخص مولوی بلکه متعلق به یک مکتب سلوک و معنا است.

در آرامگاه مولانا، خوش‌نویسی حافظه‌ای زنده و تداومی از عرفان تصویری را ممکن می‌سازد؛ حافظه‌ای که طی نسل‌ها، از راه دیدن، شنیدن و زیارت منتقل می‌شود.

لایه دوم (فضا و گفتمان معنا): مطابق نظر فوکو (Foucault, 1984) گفتمان‌ها درون فضا تثبیت می‌شوند. در این آرامگاه، فضا از سردر ورودی تا قبه خضرا به گونه‌ای طراحی شده که مخاطب را از دنیای بیرون به سلوک درونی هدایت می‌کند؛ خوش‌نویسی در جایگاه‌های متوالی، مسیر تأمل عرفانی را ترسیم می‌کند، از دعوت به بازگشت، تا ذکر فنا، تا یادآوری وصال؛ برخلاف فضاهای سلطنتی، این‌جا قدرت

سلطنت را مشروع و مقدس جلوه می‌دهد. موقعیت فضایی کتیبه‌های گور امیر در **جدول ۳** آمده است.

گور امیر، نه فقط محل دفن تیمور بلکه صحنه‌ای دیداری-فضایی برای القای اقتدار متواضعانه در قالب ایمانی است. در این‌جا، خوش‌نویسی ابزاری برای ساختن حافظه اخلاقی-سیاسی یک پادشاه است.

• تحلیل موردی سوم (آرامگاه مولانا در قونیه، قرون هفت تا ۱۰ هجری، مرکز طریقت مولویه و گفتمان عرفان اسلامی در آسیای صغیر)

– معرفی بنا و زمینه فرهنگی – عرفانی

آرامگاه مولانا، هسته مرکزی مجموعه‌ای خانقاهی-آیینی در شهر قونیه است که از قرن هفتم هجری، پس از درگذشت مولانا، در زمان حکومت سلجوقیان روم و سپس عثمانیان، به تدریج توسعه یافت. این آرامگاه، فراتر از نقش تدفینی، مرکز تداوم معرفت صوفیانه، تربیت مریدان و تثبیت حافظه طریقت مولویه بوده است. در این فضا، خوش‌نویسی نه تنها عنصری تزئینی بلکه بخشی از ساختار معناپرداز فضا و زبانی دیداری برای بیان سلوک، فنا و وصال الهی است.

– ساختار فضا و ویژگی‌های خوش‌نویسی

مجموعه آرامگاه شامل بخش‌های متعددی است: قبه خضراء (محل دفن مولانا)، رواق‌های جانبی، سماع‌خانه، اتاق تلاوت و نمازخانه. خوش‌نویسی‌های به کاررفته شامل آیات قرآنی، اشعار مثنوی، اذکار و ادعیه نبوی است که با خطوط ثلث، نسخ، تعلیق و نستعلیق، در جایگاه‌هایی متناسب با معنا و عملکرد هر

جدول ۳. موقعیت قرارگیری فضایی کتیبه‌های گور امیر. مأخذ: نگارنده.

بخش فضایی	نوع خط	محتوای کتیبه	عملکرد نمادین
طوق گنبد	کوفی بنایی سفید	«الله باقی»، خدا جاودانه است همراه با تزئینات هندسی	بیان فناپذیری انسان در برابر بقای الهی، القای تواضع تیمور در برابر قدرت خداوند
ورودی ایوان اصلی	ثلث طلایی	آیت الکرسی، سورة فتح	القای اقتدار دینی تیمور، مشروعیت سلطنتی از طریق متن مقدس
طاق نمادهای جانبی داخلی	نسخ	سورة اخلاص، سورة نصر، اذکار: سبحان الله، الحمد لله نام‌های پیامبر (ص) و علی (ع)	تلطیف فضای درونی، تأکید بر صفت الهی و هویت شیعی در محیطی نیمه‌خصوصی و نیایشی
دیوار محراب‌مانند زیر گنبد	ترکیب ثلث و نسخ	«اللهم اغفر له و الرحمة» محمد و علی خیرالبشر من ابی فقد کفر	بیانیه رسمی تشیع و تقاضای مغفرت برای تیمور، القای فروتنی و ایمان پس از مرگ، یادآوری نعمت‌های خداوند، ساخت حافظه عرفانی، تداعی عدالت و جزا
کتیبه‌های زیر قاب پنجره‌ها و طاقچه‌ها	نسخ ساده	آیات کوتاه: «قل هو الله احد» «ان الله مع الصابرين» «مبنای الارکما تکذبان (الرحمن)»	تثبیت حافظه در سطح قابل دسترس زائر و دعوت به تأمل
پایه‌های طاق ایوان ورودی	کوفی ترکیبی با ثلث	صلوات بر محمد و آل محمد (ص) و اسامی اهل‌البیت	تداعی مشروعیت دینی و تبار، علوی و دعوت به محبت اهل‌البیت

از دیدگاه تجربه مخاطب، عبور از زیر این کتیبه همچون ورود به فضایی غیررسمی اما عمیقاً معنوی است. مخاطب عرفان‌ورز، بدون واسطه دستور دینی، با کلام شعر و فرم خوش‌نویسی، احضار می‌شود؛ تجربه‌ای که حافظه سلوکی جمعی را زنده و ماندگار می‌سازد. آرامگاه مولانا نمونه‌ای از معماری حافظه‌محور است که در آن، خوش‌نویسی به ابزار بازنمایی درونی‌ترین لایه‌های عرفان اسلامی بدل شده و به‌جای نمایش قدرت، دعوت به معنا، توبه و بازگشت می‌کند.

مقایسه سه نمونه نشان می‌دهد خوش‌نویسی آرامگاهی در جهان اسلام کارکردی مشترک اما متنوع دارد. در سلطانیه، خوش‌نویسی ابزار تثبیت ایدئولوژی سیاسی- مذهبی شیعی است. در گور امیر، خوش‌نویسی زبان بازتعریف حافظه سلطنت و اخلاقی‌سازی قدرت است. در آرامگاه مولانا، خوش‌نویسی حافظه عرفانی و مشروعیت معنوی یک طریقت را سامان می‌دهد. از منظر نظری، خوش‌نویسی آرامگاهی در سه سطح تحلیل می‌شود:

(۱) حافظه‌ای: نهادینه‌سازی یاد جمعی (شیعی، سلطنتی یا عرفانی).

(۲) فضایی- گفتمانی: سازمان‌دهی معنا در کالبد معماری.

(۳) سرمایه نمادین: بازتولید مشروعیت در میدان‌های دینی و فرهنگی.

بدین ترتیب، خوش‌نویسی آرامگاهی نمونه‌ای بارز از پیوند هنر، متن و قدرت در تمدن اسلامی است؛ پدیده‌ای که فراتر از زیبایی‌شناسی، کارکردی اجتماعی- فرهنگی و تاریخی دارد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با طرح این پرسش آغاز شد که خوش‌نویسی در معماری آرامگاهی اسلامی چگونه به‌مثابه زبانی دیداری- گفتمانی در تثبیت حافظه جمعی، مشروعیت نمادین و ساخت هویت فرهنگی عمل می‌کند؟ تحلیل سه نمونه شاخص گنبد سلطانیه، گور امیر و آرامگاه مولانا نشان داد فرضیه پژوهش مبنی بر کارکرد چندلایه خوش‌نویسی در معماری آیینی تأیید می‌شود.

یافته‌ها بیانگر آن است که خوش‌نویسی آرامگاهی فراتر از تزئین، به رسانه‌ای اجتماعی و فرهنگی بدل می‌شود. در سلطانیه، کتیبه‌ها حافظه شیعی ایلخانان را تثبیت کرده و به ابزاری برای مشروعیت سیاسی آن‌ها تبدیل شدند. در گور امیر، خوش‌نویسی حافظه تیمور را از تصویری نظامی به حافظه‌ای اخلاقی- عرفانی بازتعریف کرد و به این وسیله، شکاف نسبی در مشروعیت او را پوشاند. در آرامگاه مولانا، خوش‌نویسی اشعار و آیات قرآنی حافظه عرفانی طریقت مولویه را بازتولید کرده و مشروعیت فرهنگی و معنوی آن را استحکام بخشید.

نه به معنای سیاسی بلکه به‌صورت معنوی و درونی بازنمایی می‌شود؛ فضا، آرام، متقارن و دعوت‌گر است.

فضای آرامگاه مولانا نمونه‌ای از هتروتوپای معنوی است. مکانی که در آن معنا، حافظه و آیین با هم پیوند خورده‌اند. خوش‌نویسی این گفتمان معنوی را رمزگذاری و بازتاب می‌دهد. **لایه سوم (میدان فرهنگی، سرمایه نمادین و عادت‌واره عرفانی، پیر بردیو):** در میدان فرهنگی عرفانی قونیه، خوش‌نویسی اشعار و آیات، به سرمایه‌ای نمادین برای تثبیت مشروعیت طریقت مولویه تبدیل شده است؛ مخاطب نه از طریق استدلال بلکه از راه تجربه بصری- روانی، با مفاهیمی چون عشق، فنا، تسلیم و رحمت مواجه می‌شود؛ اجرای خط نستعلیق با ترکیب‌های نرم و دایره‌وار، تجربه‌ای بصری خلق می‌کند که سلوک را طبیعی، زیبا و درونی نشان می‌دهد.

خوش‌نویسی در این فضا، همان عادت‌واره بصری است که بیننده را به بازسازی درونی خود، به‌مثابه «مسافر راه معنا» هدایت می‌کند. این ساختار ذهنی- بصری همان چیزی است که بردیو از آن به‌عنوان «درونی‌سازی معنا در میدان فرهنگی» یاد می‌کند.

در آرامگاه مولانا، خوش‌نویسی در سطح حافظه‌ای، سنتی عرفانی و ادبی را در حافظه دیداری زائران تثبیت می‌کند؛ در سطح فضایی- معنایی، فضا را به ساختاری از تجربه درونی، سلوک و توبه تبدیل می‌سازد؛ در سطح اجتماعی- تحلیلی، سرمایه‌ای نمادین برای تثبیت جایگاه فرهنگی طریقت مولویه فراهم می‌کند.

- تحلیل کتیبه منتخب آرامگاه مولانا (کتیبه سردر ورودی حجره)

یکی از تأثیرگذارترین کتیبه‌های آرامگاه مولانا، کتیبه‌ای است به خط تعلیق که بر فراز سردر ورودی یکی از حجرات اطراف مزار قرار دارد. متن این کتیبه، مصرع‌ای از اشعار خود مولانا است:

بازآ بازآ هر آنچه هستی بازآ

از منظر بصری، خط تعلیق به‌سبب سیالیت و حرکت‌پذیری ساختاری‌اش، جلوه‌ای از رهایی، بی‌وزنی و سلوک درونی القا می‌کند. منحنی‌های نرم و کشیده آن با محتوای عرفانی شعر هم‌خوانی کامل دارد. زمینه فیروزه‌ای با حروف سفید یا طلایی، نماد آرامش، رحمت و تعالی روحانی است. جایگاه فضایی این کتیبه در مدخل حجره‌ای است که محل خلوت، ذکر و تذکره بوده است؛ قرارگیری آن در چنین نقطه‌ای، تأکیدی بر ورود به ساخت عرفانی و درونی دارد.

از منظر گفتمانی، انتخاب شعری از خود مولانا و نه متن مقدس یا رسمی، دال بر مرکزیت زبان شعر و سلوک در نظام معرفت‌شناسی مولویه است. خوش‌نویسی در این‌جا نقش زبانی برای دعوت به سیر درونی و حضور در طریقت دارد، نه تثبیت قدرت بیرونی. موقعیت فضایی کتیبه‌های آرامگاه مولانا در **جدول ۴** آمده است.

جدول ۴. موقعیت قرارگیری فضایی کتیبه‌های آرامگاه مولانا. مأخذ: نگارنده.

بخش فضایی / معماری	نوع خط	محتوای کتیبه	عملکرد نمادین
گنبد سبز	ثلث سفید	بسم الله الرحمن الرحيم آیت‌الکرسی	وحدانیت، حفاظت الهی، مرکز آسمانی عرفان
ضریح مولانا	نسخ طلایی / نستعلیق	سوره فجر / اشعار مثنوی	وصال الهی، مرگ عارفانه، بازگشت به معشوق
قاب پرده	نستعلیق / نسخ	دعای نبوی: اللهم اغفر لی و الرحمه و اسکند الجنه	طلب مغفرت، القای فروتنی و عبودیت در مرگ
دیوار جنوبی آرامگاه	نستعلیق	«باز آ باز اهر آنچه هستی باز آ»	دعوت به توبه، گشودگی عرفان، پذیرش خطا کار
در ورودی آرامگاه	تعلیق	این مکان کعبه عاشقان است، هر که ناقص آمد این جا کامل بیرون رود.	دعوت به تحول عرفانی، ساخت حافظه عرفانی - ادراکی در بدو ورود به فضا
طاق دیوار غربی	نسخ	کل من علیها فان (الرحمن)	یادآوری فضا: تقابل فانی بود انسان و بقای حق
اتاق تلاوت	ثلث / نسخ	الرحمن، علم القرآن، خلق الانسان	پیوند انسان، علم و رحمت، حافظه معرفتی در فضای سکوت و تلوت
دیوارهای جانبی	نستعلیق	بشنو از نی چون حکایت می‌کند / از جدایی‌ها شکایت می‌کند	ساخت حافظه روایی عرفان
سماع‌خانه	ثلث / نسخ	آیات قرآنی سوره نور، سوره عصر	نهادینه حس عرفانی در حافظه جسمانی و شنیداری به وسیله ترکیب تجربه صوتی بصری

برای بازآفرینی حافظه اخلاقی - عرفانی سلطنت و در آرامگاه مولانا، به رسانه‌ای برای انتقال معنویت و سلوک درونی بدل می‌شود. از این رو خوش‌نویسی صرفاً تزیین معماری نیست بلکه عنصری زایا در تولید معنا، حافظه و مشروعیت است که فضا را به متن و متن را به فضا تبدیل می‌کند. این الگوی سه‌سطحی - حافظه‌ای، فضایی - گفتمانی و نمادین - اجتماعی نشان می‌دهد نوشتار در هنر اسلامی هم‌زمان حامل تجربه زیبایی‌شناسی و سازوکار بازتولید نظم معنایی است؛ سازوکاری که می‌تواند مبنایی نظری برای تحلیل سایر فضاهای آیینی در تمدن اسلامی قرار گیرد.

پیشنهادهای می‌شود پژوهش‌های آینده با گسترش دامنه موردی، به بررسی خوش‌نویسی در دیگر فضاهای آیینی چون مساجد جامع، مدارس دینی و خانقاه‌ها بپردازند و همچنین پیوند میان خوش‌نویسی، موسیقی آیینی و تجربه جسمانی مخاطب را تحلیل کنند. چنین مطالعاتی می‌تواند ابعاد ناشناخته نقش خوش‌نویسی در تاریخ اجتماعی هنر اسلامی را آشکار سازد.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منفعی برای ایشان وجود نداشته است.

پی‌نوشت

Discursive space.^۱

از این رو می‌توان نتیجه گرفت خوش‌نویسی آرامگاهی در سه سطح عمل می‌کند: نخست، تثبیت حافظه جمعی در قالب متون مقدس یا عرفانی؛ دوم، سازمان‌دهی گفتمان فضایی که معماری را به زبان قدرت یا معنا بدل می‌کند و سوم، خلق سرمایه نمادینی که به مشروعیت‌بخشی سیاسی، دینی یا عرفانی می‌انجامد. این سه سطح در کنار هم خوش‌نویسی را از سطح هنر بصری به سطح نهادی اجتماعی ارتقا می‌دهند.

فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه خوش‌نویسی آرامگاهی، رسانه‌ای سه‌لایه (حافظه‌ای، فضایی - گفتمانی و نمادین - اجتماعی) است در تمامی نمونه‌ها تأیید شد. تفاوت‌های تاریخی - جغرافیایی سه مورد بررسی شده، این فرضیه را غنی‌تر ساخت و نشان داد هر چند محتوای کتیبه‌ها متناسب با زمینه‌های محلی تغییر می‌کند اما سازوکار کلی خوش‌نویسی در هویت‌سازی و مشروعیت‌بخشی پایدار است.

به این ترتیب، خوش‌نویسی آرامگاهی باید به عنوان عاملی فعال در فرایندهای اجتماعی - فرهنگی مطالعه شود؛ عنصری که حافظه جمعی را ماندگار می‌کند، نظم فضایی را معنادار می‌سازد و قدرت و مشروعیت را بازتولید می‌کند.

برای تحلیل سه مطالعه موردی نشان می‌دهد خوش‌نویسی در معماری آرامگاهی اسلامی را می‌توان به مثابه شبکه‌ای از معانی چندلایه فهم کرد که در آن نوشتار، فضا و قدرت در پیوندی ارگانیک قرار دارند. در گنبد سلطانیه، خوش‌نویسی به زبان رسمی مشروعیت سیاسی ایلخانان، در گور امیر به سازوکاری

- Foucault, M. (1984). Of other spaces, heterotopias. *Architecture, Mouvement, Continuité*, 5(1984), 46-49.
- Grabar, O. (1983). *The mediation of ornament*. Princeton University Press.
- Golombek, L., & Wilber, D. N. (1988). *The Timurid Architecture of Iran and Turan*. Princeton.
- Halbwachs, M. (1950). *La Mémoire collective*. Presses Universitaires de France.
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of space*. Blackwell.
- Nora, P. (1989). Between memory and history: Les lieux de mémoire. *Representations*, 7-24. <https://doi.org/10.2307/2928520>
- Seifi, N., & Abdollahifard, A. (2024). Hidden calligraphy and geometry in the the inscriptions of Sheikh Safi al-Din Ardabili collection Case study: Dome Allah Allah. *Negarineh Islamic Art*, 11(27), 5-24. <https://doi.org/10.22077/nia.2023.5850.1671>

فهرست منابع

- امیر عشایری، سواره؛ بلیان اصل، لیدا و حبیب، فرح. (۱۴۰۱). واکاوی نقش هندسه معقول و محسوس در معماری گنبد سلطانیه. *فصلنامه هنر اسلامی*، ۴۲.
- Assmann, J. (2011). *Cultural memory and early civilization: writing, remembrance, and political imagination*. Cambridge University Press.
- Blair, S. (2006). *Islamic calligraphy* (V. Kavusi, trans.). Farhangestan-e Honar. (Original work published 2006)
- Bloom, J. (2014). *The art and architecture of Islamic arts* (A. Gheytsi, trans.). Soore-ye Mehr. (Original work published 1996)
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. in Richardson. in J. (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education* (pp. 241-258). Greenwood Press.
- Bourdieu, P. (1993). *The field of cultural production: essays on art and literature*. Columbia University Press.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to journal of Art and Civilization of the Orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
عطایی آشتیانی، زهره. (۱۴۰۵). خوش‌نویسی در معماری آرامگاهی اسلامی: تحلیلی گفتمانی بر حافظه، فضا و مشروعیت. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۴ (۵۳)، ۶-۱۵.

DOI: [10.22034/jaco.2025.544053.1495](https://doi.org/10.22034/jaco.2025.544053.1495)
URL: https://www.jaco-sj.com/article_235361.html

